

دوستی خدا لازمه اش خشنودی به کارهای اوست و...؛ باب اول) یاداشهای مصائب؛ باب دوم) صبر و شکیبایی و نقل داستانهایی از صبر زنان و مردان صابر تاریخ؛ باب سوم) ارزش رضای به قضای الهی و علامات و درجات آن، و داستانهایی از رضای گذشتگان، و عدم منافات دعا با صبر و رضا؛ باب چهارم) گریه و عدم منافات آن با صبر و رضای به قضای الهی، و نوحه سرایی جایز و مشروع و نامشروع؛ خاتمه) ثواب تسلیت داغدیدگان، چگونگی تسلیت، و نامه امام صادق (علیه السلام) به گروهی از فرزندان عمویش که دشمنان فشار زیادی بر آنان وارد کرده بودند.

مسکن الفؤاد در حدود سال ۱۳۱۰ ق در تهران چاپ سنگی شده، و همان چاپ را در سالهای اخیر کتابفروشی بصیرتی در قم افست کرده است. خانباها مشار در فهرست کتابهای چاپی عربی (ص ۸۴۳) گفته است که در بمبئی نیز چاپ سنگی شده است. سال گذشته نیز موسسه آل البیت آن را به صورتی دلپذیر تصحیح و منتشر کرد. از آنجا که پیش از انتشار این چاپ، چهار ترجمه فارسی این کتاب منتشر شده، ابتدا این ترجمه‌ها را معرفی می‌کنم، و سپس به معرفی و نقد تصحیح موسسه آل البیت می‌پردازم.

### ترجمه‌های فارسی مسکن الفؤاد

تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد تاکنون چهار ترجمه از این کتاب به قلم چهارتن از فضلا منتشر شده است که به ترتیب تاریخ ترجمه عبارت است از:

الف) ترجمه مرحوم میرزا اسماعیل مجدالادباء خراسانی، به نام تسلیة العباد فی ترجمه مسکن الفؤاد، که ۸۷ سال پیش یعنی در سال ۱۳۲۱ ق در دارالطباعه آستانه مقدسه در مشهد چاپ سنگی شده است. گرچه نگارنده موفق نشده تمام آن را مطالعه کند ولی به نظر می‌رسد ترجمه کم غلط و خوبی است؛

ب) ترجمه آقای محمدباقر حجتی به نام اسلام در کنار داغدیدگان و افسرده دلان که در فروردین ۶۳ ش در تهران چاپ شده است؛

ج) ترجمه آقای حسین جناتی به نام آرام بخش دل داغدیدگان، (تاریخ مقدمه: خردادماه ۶۳ ش) که در قم چاپ شده است؛

د) ترجمه مرحوم عباس مخبر (ره) به نام ارمغان شهید که چاپ اول آن در جمادی الآخرة ۱۴۰۵ ق در مشهد مقدس انجام شده است.

دو ترجمه اخیر ارزش چندانی ندارند. ترجمه «د» ناقص است و همه قسمتهای کتاب را ترجمه نکرده و در مقدمه آن برخی اشتباهات عجیب و غریب به چشم می‌خورد. محض نمونه به دو

## مسکن الفؤاد و ترجمه‌های فارسی آن



مسکن الفؤاد عند فقدا لاجبة والاولاد. تألیف شهید ثانی. تحقیق و تصحیح مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث. (سلسله مصادر بحارالتوار، ۲). قم. مؤسسه آل البیت. چاپ اول. ۱۳۶۶ ش / ۱۴۰۷ ق. ۱۶۰ صفحه.

مسکن الفؤاد عند فقدا لاجبة والاولاد یکی از تألیفات سودمند فقیه بزرگ شیعه در قرن دهم هجری، شیخ زین الدین عاملی مشهور به شهید ثانی (۹۱۱ تا ۹۶۵ ق) است که یازده سال پیش از شهادتش در ماه رجب سال ۹۵۴ ق در ۴۳ سالگی، از نگارش آن فراغت پیدا کرده است.

این کتاب - چنانکه از نامش پیداست - درباره مسائل و اموری است که دل داغدیدگان و مصیبت‌زدگان را آرامش می‌بخشد و برای این مقصود از آیات و روایات و سخنان علمای بزرگ و انسانهای صبور تاریخ، و نیز داستانهای واقعی انسانهایی که در مصیبت عزیزان خود صبور و شکیبا بوده‌اند، بهره می‌گیرد. شهید ثانی خود به مصیبت برخی از عزیزانش گرفتار شده، و برخی از فرزندان او را در اوان کودکی از دست داده، و شاید از همین رو برای تسکین خاطر خویش به تألیف این کتاب رو آورده است. مسکن الفؤاد شامل یک مقدمه و چهار باب و یک خاتمه است؛ مقدمه درباره این که کارهای خداوند متعال تماماً به مصلحت بنده است، و نیز خصوصیات و چگونگیهای دardنیا، و اینکه

نسخه ش) و دیگری متعلق به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (= نسخه د) - که البته دومی ناقص، و مشتمل بر قسمتی از کتاب است - منتشر کرده است. در آغاز (ص ۳ تا ۱۶) مقدمه کوتاهی در شرح حال شهید و کتاب و شیوه تصحیح و نسخه‌های مورد استفاده، و در پایان کتاب (ص ۱۲۲ تا ۱۶۰) فهرس گوناگون: آیات، احادیث قدسی، احادیث، آثار، اعلام، کتابها و... آمده است. چند گروه در قسمتهای مختلف مربوط به تصحیح کار کرده‌اند و گروهی خاص مسؤول استخراج مصادر احادیث متن کتاب و یافتن مآخذ آن بوده‌اند (ص ۲). مآخذ بیشتر احادیث مشخص شده و در پانویشت صفحات ذکر شده، و همچنین توضیح برخی از لغات مشکل متن و توضیحی درباره برخی اعلام تاریخی و قبایل مذکور در متن در پانویشتها آمده است.

این تصحیح گرچه از جهاتی ارزنده و زیبا و پاکیزه است ولی نقایص و اشتباهاتی هم دارد که ذیلاً به اختصار یاد می‌شود:

□ روی جلد و در صفحه عنوان و صفحه حقوق و ص ۹ (مقدمه) و ص ۱۱۹ و ص ۱۴۲، نام مؤلف چنین آمده است: «زین الدین علی بن احمد الجبعی العاملی» که البته قطعاً اشتباه است و نام شهید «علی» نیست، بلکه «علی» نام پدر اوست، بنابر این «زین الدین بن علی» صحیح است. نگارنده نمونه‌هایی از خط خود شهید را دیده است که نام خود را زین الدین بن علی نوشته، و در اعیان الشیعة (ج ۷، ص ۱۴۴، چاپ ده جلدی) نیز این موضوع مفصلاً بررسی شده، و موارد متعددی از خط خود شهید نقل شده که نام و نسب خود را همان طور که گفته شد یاد کرده است.

□ در ص ۹ (مقدمه) «نورالدین» لقب شهید دانسته شده که این هم اشتباه است، زیرا «نورالدین» لقب پدر شهید ثانی است.

□ در ص ۶ (مقدمه) درباره علت تألیف مسکن الفؤاد آمده است: «از آنجا که فرزندان او در اوآن کودکی از دنیا می‌رفتند - به طوری که از آنها جز شیخ حسن صاحب معالم باقی نماند و تازه اطمینانی هم به بقای او نداشت - مسکن الفؤاد را نوشت». به این کلام دو اشکال وارد است: اول اینکه شیخ حسن تنها فرزند باقیمانده شهید تا سنین پس از کودکی نیست، بلکه مادر صاحب مدارك هم که دختر شهید ثانی است در اوآن کودکی از دنیا نرفته و باقی مانده است؛ ثانیاً مسلم است که تألیف مسکن الفؤاد در سال ۹۵۴ پایان یافته و صاحب معالم در سال ۹۵۹ متولد شده است (رك: الدر المنثور، تألیف شیخ علی نواده صاحب معالم، ج ۲، ص ۲۰۰) بنابراین این چگونه می‌توان گفت که چون فرزندان شهید جز صاحب معالم در کودکی از دنیا رفتند، وی این کتاب را نوشت؟

□ در ص ۶ (مقدمه) می‌خوانیم: «وقتی که شهید ثانی به شهادت رسید فرزندش صاحب معالم چهارساله یا هفت ساله بود». مسلم است که صاحب معالم در سال ۹۵۹ متولد شده است،

مورد اشاره می‌کنم: ۱) در ص ۲۴ نوشته‌اند: «شهید در سال ۹۲۵ به میس (دشت میشان) که امروز به دشت آزادگان معروف است مسافرت کرد و در نزد شوهر خاله‌اش شیخ علی بن عبدالعالی میسی مشغول تحصیل شد». با اینکه می‌دانیم «میس» یکی از روستاهای منطقه جبل عامل لبنان بوده است و هیچ ربطی به دشت میشان یا دشت آزادگان امروز ندارد؛ ۲) در ص ۲۱ شهید ثانی را از شاگردان علامه حلی دانسته‌اند، که البته اشتباه بودن آن آشکار است، و محال است کسی که در سال ۹۱۱ ق متولد شده، شاگرد علامه حلی متوفای ۷۲۶ ق باشد.

متن ترجمه «ب» را مطالعه نکرده‌ام و نمی‌توانم درباره‌اش قضاوت کنم ولی پیداست که نام کتاب گویا نیست و به هیچ روی حاکی از نام متن عربی آن نیست. امید است ترجمه متن کتاب از سنخ ترجمه عنوان آن نباشد. اما در مقدمه آن از ص ۱۷ تا ص ۶۴ که شرح حال شهید ثانی است، بیش از سی اشتباه رخ داده است (برای آگاهی از اشتباهات آن رك: مجله نور علم، مقاله «پژوهش در تاریخ زندگی شهید ثانی»، شماره ۲۲، ص ۱۲۲ تا ۱۳۴، و شماره ۲۴، ص ۱۱۲ تا ۱۲۰، و شماره ۲۶). ولی اشکال اساسی آن این است که شرح حال شهید ثانی با مختصر حك و اصلاح و اضافه‌ای، عیناً از مقدمه شرح لمعه (چاپ ده جلدی تصحیح کلانتر، ج ۱، ص ۱۴۹ تا ۱۹۴)، ترجمه شده، بی آنکه اصلاً اشاره‌ای هم به این موضوع شده باشد، و حتی برای يك بار هم اسمی از آن کتاب به میان آمده باشد.

باری، از سه ترجمه اخیر تنها نام ترجمه ج (آرام‌بخش دل داغدیدگان) به نام متن اصلی نزدیک است و نام دو ترجمه دیگر، موضوع متن اصلی و نام آن را تداعی نمی‌کند. گویا هیچیک از این سه مترجم، از ترجمه مرحوم مجدالادباء خبری نداشته‌اند و برای اطلاع از وجود آن حداقل به الذریعة (ج ۴، ص ۱۷۹) هم نگاهی نینداخته‌اند والا ممکن بود همان را با ویرایش و حك و اصلاح و زدودن اغلاط منتشر کنند و به کار تکراری بی ثمر نپردازند.

متن مسکن الفؤاد به تصحیح مؤسسه آل البیت مؤسسه آل البیت مسکن الفؤاد را با استفاده از چاپ سنگی آن و دو نسخه خطی، یکی متعلق به کتابخانه حضرت آیه‌الله مرعشی (=

پانوشته آمده است: «أَخْرَجَهُ الْمَجْلِسِيُّ فِي الْبَحَارِ عَنْ مَسْكَنِ الْفُؤَادِ» و پیداست که این کاری است دورمانند، و دردی را دوا نمی کند. البته مشخص کردن جایگاه حدیث در بحار در کتابی مثل مسکن الفؤاد از جهات گوناگون سودمند است ولی به هیچ روی کافی نیست. اینک برخی از مواردی که به جای ذکر مأخذ اصلی حدیث، به بحار ارجاع شده، و بحار هم خود از مسکن نقل کرده است: ص ۲۷، ۳/۳۴، حدیث ۳۷، ۴۴، ۵۷، ۶۶، ۷۰، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۸۰، ۸۱، ۸۷، ۹۹، ۱۱۱، ۱۱۲.

همچنین مأخذ بسیاری از داستانها و سخنان عارفان و بزرگان مشخص نشده، از جمله در این صفحات: ۲۵، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۵۶، ۶۰، ۶۱، ۶۳/۳، مورد، ۲/۶۴، ۶۶، ۶۷، ۷۲، ۷۳/۳، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸/۲، ۸۱/۲، ۸۳، ۸۴، ۸۶/۲، ۸۸/۴، ۸۹/۳، ۱۱۲/۲. در برخی موارد بدخوانی کاتب نسخه خطی سبب اشتباه شده است. مثلاً در همان صفحه اول متن - که تصویر نسخه خطی آن صفحه هم در کتاب درج شده و می شود با آن مقابله و تطبیق کرد - در ذیل این عبارت «... والموسوم بالحدس الصائب» نوشته اند: «در نسخه «ش» بالحدس الصائب» آمده است. در صورتی که با یک نگاه به همان صفحه نسخه «د» مشخص می شود که «بالحدس» قطعاً غلط است و کاتب نسخه «ش» بر اثر عدم آشنایی به رموز و نشانه های حروف، «بالحدس» را «بالحدش» نوشته است. توضیح آنکه، در قدیم، همانطور که حروف معجمه و نقطه دار، با نقطه مشخص می شده، احیاناً برای رفع اشتباه و ابهام، حروف مهمله و بی نقطه را هم با علاماتی مشخص می کرده اند، مثل اینکه «س» برای عدم اشتباه آن با «ش» بدین صورت نوشته می شده «سین» یا «سین» و سه نقطه زیر آن گذاشته می شده، یا اینکه روی «س» بجای سه نقطه که علامت «ش» است، علامتی به شکل هلال (بدین شکل «ش») می گذاشته اند (رک: مجله تراننا، شماره ۶، ص ۱۵۹-۱۷۱: منیه المرید، چ دفتر انتشارات اسلامی، ص ۲۰۶) و از این رو کاتبی که با این علامات آشنا نبوده، آن را حرف معجم و «ش» تصور می کرده است. و پیداست که ثبت نسخه بدل در صورتی که قطعاً غلط باشد، نه تنها زاید است بلکه به هیچ روی صحیح نیست.

#### کتابهای مشابه مسکن الفؤاد

عده ای دیگر از علمای شیعه نیز درباره همان موضوع کتاب مسکن الفؤاد کتابهایی نگاشته اند که برخی از آنها عبارت است از:

- (۱) تسلیة الحزین فی فقد العافیة والأحباب من الأقارب والبنین، تألیف سیدعبدالله شیر، متوفای ۱۲۴۲ ق؛ (۲) تسلیة الفؤاد فی فقد الأولاد، نیز تألیف همان سیدعبدالله شیر؛ (۳)

بنابر این به هنگام شهادت پدر در سال ۹۶۵، شش ساله، و اگر - به فرض باطل و اشتباه - شهید ثانی در سال ۹۶۶ شهید شده باشد، هفت ساله بوده است، بنابراین شق اول تردید بین چهار و هفت قطعاً و در هر دو فرض، غلط خواهد بود.

□ در ص ۱۰ (مقدمه) آمده است: «مؤلف در سال ۹۶۵ در ۵۵ سالگی به شهادت رسید» که البته ۵۴ سالگی درست است. با اینکه یک گروه خاص مسؤول استخراج و تعیین مأخذ احادیث بوده اند، مع ذلك، مأخذ بسیاری از احادیث - که یافتنش مشکل بوده و نیاز به تحقیق بسیار داشته است - مشخص نشده، و حتی در مقدمه یا جای دیگر اشاره ای هم به این مسأله نشده است. از جمله مواردی که مأخذ احادیث مشخص نشده اینهاست: ص ۲۱، ۲/۳۳ (رقم سمت راست ممیز شماره صفحه است، و رقم سمت چپ ممیز نشانگر تعداد احادیثی که در آن صفحه مأخذش ذکر نشده)، ۳۹، ۴۱/۲، ۴۸/۲، ۴۹، ۵۰/۲، ۵۳، ۸۲/۲، ۹۱، ۹۲، ۹۴، ۹۶، ۹۷/۲، ۹۸، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۰. با اینکه - طبق آنچه از فهرست احادیث برمی آید - در سراسر کتاب، حدود ۲۳۰ حدیث و حدیث قدسی نقل شده و این واقعا رقم زیادی نیست و یافتن مأخذ آنها کار بسیار مشکلی نیست.

می دانیم که مصادر و مأخذ کتاب ارزشمند بحار الانوار علامه مجلسی (علیه الرحمه) بسیار زیاد است و حتی تعدادی از آنها هنوز هم چاپ نشده است. مؤسسه آل البیت در صدد است برخی از مصادر آن را تحت عنوان «سلسله مصادر بحار الانوار» به شکلی منقح و مصحح منتشر کند که مسکن الفؤاد دومین کتاب از این سلسله است. اما چون مسکن الفؤاد خود اثر نسبتاً جدیدی است، برای روشن شدن چگونگی و صحت و ضعف بسیاری از احادیث آن لازم است مأخذ اصلی و متقدم بر آن مشخص شود، تا به درستی معلوم شود که عناصر تشکیل دهنده بحار کدامین احادیث و از کدامین کتابهاست؛ فلان حدیث عامی است یا از طریق خاصه روایت شده؛ ضعیف است یا نه؛ و غیره. بنابراین در تصحیح کتابهایی مثل مسکن الفؤاد علاوه بر آن که شایسته است موضع حدیث در بحار مشخص شود، باید مأخذ اصلی حدیث و مرجع خود مؤلف نیز معین شود. ولی متأسفانه می بینیم که در این تصحیح در موارد زیادی به جای یافتن مصدر و مأخذ اصلی حدیث، در

مُسْكُنُ الْقُلُوبِ عِنْدَ فَقْدِ الْمَحْبُوبِ، تَأْلِيفُ دَلْدَارِ عَلِيِّ بْنِ سَيْدِ مُحَمَّدٍ  
مَعِينِ نَصِيرِ أَبَادِي، (متوفای ۱۲۳۵: ۴) تَسْلِيَةُ الْحَزِينِ مِنْ  
فَقْدِ الْأَقْرَابِ وَالْبَنِينَ تَأْلِيفُ شَيْخِ صَالِحِ بْنِ طَعَانَ بَحْرَانِي، (متوفای  
۱۲۸۱ ق: ۵) تَسْلِيَةُ الْمَلْهُوفِينَ وَتَسْكِينِ الْمَعْمُومِينَ، تَأْلِيفُ مِيرْزَا  
أَبِي الْقَاسِمِ بْنِ مِيرْزَاكَاطِمِ مَوْسَوِي زَنْجَانِي، (متوفای ۱۲۹۲: ۶)  
تَسْلِيَةُ الْأَحْزَانِ تَأْلِيفُ مِيرْزَا أَحْمَدِ بَاقِرِ خَوَانَسَارِي صَاحِبِ  
رُوضَاتِ الْجَنَاتِ، (متوفای ۱۳۱۳ ق، که چاپ شده است. (رك:  
رُوضَاتِ الْجَنَاتِ، ج ۳، ص ۳۷۹ و ۳۸۰: الذَّرِيعَةُ، ج ۴، ص ۱۷۷،  
۱۷۸، ۱۷۹، و ج ۲۱، ص ۲۰؛ مَصَابِيحُ الْأَنْوَارِ فِي حَلِّ مَشْكَلاتِ  
الْأَخْبَارِ، ج ۱، ص ۱).

باری، تلاش مؤسسه آل البیت برای احیای مسکن الفؤاد و  
امثال آن، درخور ستایش است. توفیقشان افزون باد.

رضا مختاری (قم)

نادرست آنان هیچ عبرت نمی گرفتند و همان خطاها و بزه‌ها را  
مرتکب می شدند و خود و مردم دوره خویش را به نیستی و بدبختی  
می افکندند.

این پریشان حالی در صفویه به گونه‌ای برجسته نمایان است.  
اگر از شاه طهماسب دوم که سلطنتش چندان رسمیت نداشت  
چشم ببوشیم، آخرین زمامدار جدی صفویان شاه سلطان حسین  
است. او که روزهای خوب یادگیری و خودسازی و  
تجربه اندوزی، یعنی کودکی و جوانی، را در حرمسرا سپری کرده  
بود، در بیست و شش سالگی به شاهی رسید و بیش از بیست و  
هشت سال در نهایت کاهلی و بزدلی و اسراف... فرمانروایی کرد  
(ص ۱۴). سستی و زبونی او چنان بود که هنوز هم آدمهای  
بی لیاقت را به وی تشبیه می کنند. در نادانی و بی تدبیری او همین  
بس که میرویس حاکم و رئیس سنی ایل غلزایی قندهار را بر کنار  
می سازد و مقام او را به يك بیگانه بی خرد گرجی می سپارد. آتش  
اختلاف تسنن و تشیع را دامن می زند و تحقیر و بی اعتنایی به  
مسلمانان سنی را از حد می گذراند (ص ۱۹) و خلاصه کاری  
می کند که غلزاییهای قندهار به خشم می آیند و سر به شورش  
بر می دارند و با فرماندهی میرویس، حاکم دست نشانده شاه را  
می کشند و به سوی کرمان و لار و اصفهان و شیراز حرکت می کنند  
و چنان کشتار و جنایتی مرتکب می شوند که نظیرش کم دیده شده  
است.

درباره سالهای حکومت شاه سلطان حسین افزون بر  
نوشته‌های مورخان ایرانی یادداشتها و سفرنامه‌هایی چند از  
خارجیان در دست است که در همان زمان برای تجارت یا سفارت  
به ایران آمده‌اند و ضمناً رویدادهای تلخ و شیرین روزانه را هم  
نوشته‌اند. از میان یادداشت‌های خارجیان زمان شاه سلطان حسین  
غیر از این کتاب، سفرنامه کروینسکی را می شناسیم که دو  
ترجمه از آن در دست است اولی از عبدالرزاق دُنَبَلِی مورخ دوره  
فتحعلی شاه و دومی از دکتر ولی الله شادان (۱۳۶۴) تحت عنوان  
علل سقوط شاه سلطان حسین. ترجمه دوم از جهات بسیاری  
خواندنی تر و پسنندیده تر از ترجمه دُنَبَلِی است.

کتاب برفاتدان صفویان... نامه‌ها و یادداشت‌هایی است که  
کارکنان هند شرقی هلند (واک) در زمان شاه سلطان حسین فراهم

## برافتادن صفویان...



برافتادن صفویان، برآمدن محمود افغان- روایت شاهان هلندی. دکتر  
ویلم فلور. ترجمه دکتر ابوالقاسم سری. چاپ اول. ۱۳۶۵. انتشارات  
طوس. ۲۵+۳۱۴ صفحه.

در تاریخ ایران روزهای سیاه بسیار است. سلسله‌های حکومتی در  
سالهای نخست اغلب می کوشیدند تا شایستگی‌هایی هرچند اندک  
از خود نشان دهند. ولی بعد از پا برجایی و سلطه کامل به جامعه  
پشت می کردند و روزگار را در فساد و عشرت و بی خبری  
می گذراندند. در این هنگام دشمن چون دزدی در کمین نشسته از  
ناتوانیها و آشفتگیها سود می جست و هجوم می آورد و چنان  
ضربه و صدمه‌ای می رساند که ایرانی سالها پس از آن  
نمی توانست بیا خیزد.

شگفتنا! با اینکه عامل و علت مهم انقراض حکومت‌های پیشین  
همین عیاشیها و بیدادگریها بوده است، جانشینان ایشان از کار